

فقرای شهری و دردسر تئوری

زهرا اسکندری دورباطی*

نا پایداری زندگی فقرای شهری، که معمولاً در محدوده های غیر رسمی و نابسامان شهرها سکونت دارند، را نه تنها مسائل ساختاری نظام اقتصادی - اجتماعی بلکه نظام رسمی برنامه ریزی، که به توجیه وضع موجود و حذف کم درآمدها در این نظام می پردازد، نیز تشدید می کند. نتایج نخبه سالاری در این نظام به خوبی در طرحهای توسعه شهری تبلور یافته است. قرار گرفتن محققان در چهارچوبهای نظری و پیش-فرضهای از پیش ساخته باعث شده که مسائل درونی این سکونت گاهها با نگاهی یک سویه تحلیل شده و راه کارها نیز بیشتر بدون توجه به ظرفیت و خواست ساکنان این سکونت گاهها ارائه شود. در این مقاله ضمن بررسی این رویکرد نمونه موردی سلطان آباد به عنوان نتیجه این نگرش معرفی و در نهایت پیشنهادهایی ارائه شده است. این پیشنهادها با توجه به رویکرد توانمند سازی به تعریف امنیت برای ساکنان، پرهیز از نخبه سالاری و ظرفیت سازی بر اساس توانهای اهل محل و به رسمیت شناختن کم درآمدها در نظام برنامه ریزی برای ایجاد پایداری در توسعه شهری تأکید می شود.

مقدمه

روش شناسی مرسوم در پژوهشهای اجتماعی طرح فرضیه درچارچوب نظریه های کلان و تهیه پرسشنامه و حرکت به سمت اثبات ارتباط یا عدم ارتباط پدیده ها با یکدیگر است. در این روش شناسی محقق در چهارچوبی قرار می گیرد که نظریه آن را تعیین کرده است. بر اساس این نحوه طرح مسئله، گویی ما باید به دنبال شناخت این ارتباط و اثبات آن باشیم و ارتباط فقر و آسیبهای اجتماعی دوباره اثبات شود.

*کارشناسی ارشد جامعه شناسی شهری

۱) بیان مسئله

مطالعه بخشی از پژوهشهای در دسترس نشان می دهد (افتخاری راد ، اسکندری دورباطی، ۱۳۸۰) که پژوهشگران در صدد شناخت مسائل ، ضعف و کمبودهایی در زیست گاههای فقرای شهری بوده اند ، که به نظر آنها مسئله ، این سکونت گاهها بوده است نه ساکنان . در حوزه های متفاوت از جمله شناخت وضعیت موجود خانوارها به لحاظ اقتصادی - اجتماعی و به خصوص وضعیت آسیبهای اجتماعی در این سکونت گاهها پژوهشهای متفاوتی انجام شده است . اما ، راهکاری که بتوان بر اساس آن به حل مسئله پرداخت ارائه نشده و اگر هم پیشنهاد شده آنقدر کلان است که امکان اجرای آن نبوده است . دوره ای که پژوهشگران در حال اثبات نظریه های خود بوده اند، جمعیت شهری در دو دهه ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷ از ۸/۱۵ میلیون نفر به ۸/۳۶ میلیون نفر یعنی ۳/۲ درصد برابر افزایش یافته سکونت گاههای نابسامان رشد کرده است به صورتی که برآوردها آن را بین پانزده تا سی درصد نشان می دهد « جمعیت سکونت گاههای غیر رسمی در شهرهای کمتر از ۱۰۰ هزار نفر ، ۲۲ درصد، در شهرهای بزرگ ۲۵۰ هزار تا یک میلیون نفر ، ۴۴ درصد ، در کلان شهرها ۳۴ درصد برآورد شده است » . (افتخاری راد ، ۱۳۸۰) . همچنین بررسیها نشان می دهد که حدود یک سوم از بافتهای شهری به نابسامانی دچار است و در آنها عمدتاً فقرای شهری سکونت دارند (مستندات برنامه سوم توسعه در مورد بافتهای شهری نا کارآمد) . به این غفلت باید ضعف نظام برنامه ریزی را در حذف بخش غیر رسمی - که حاصل نگرش برنامه ریزی یک سویه از بالا و نخبه گراست - را اضافه کرد . مسئله ای که با عنوان ، شهروند زدایی کم درآمدها در نظام برنامه ریزی شهری و مسکن در ایران مطرح است .

پیش از رسمیت یافتن برنامه ریزی شهری و معمول شدن برنامه ریزی مسکن در ایران ، که تقریباً هر دو در نیمه دوم دهه ۱۳۴۰ اتفاق افتاد ، برنامه ریزی در ایران اساس خصلت دیوان سالارانه داشت و از بالا به وسیله دولت انجام می گرفت و اقداماتی که دولت مرکزی به صلاح خود می دید انجام می داد . در نیمه دوم دهه ۱۳۴۵ برنامه ریزی شهری در ایران رسمیت

یافت و کار آن به نخبگان یا فن سالاران سپرده شد. همچنان که دیگر برنامه های توسعه از جمله مسکن نیز به وسیله آنها صورت می گرفت.

در طرح جامع تهران (مصوب ۱۳۴۷) در پی تحلیلی نادرست مبنی بر تبدیل گروههای کم درآمد به میان درآمد تا ۱۳۵۳، ضوابط شهری و ساختمان و از آن جمله قطعه بندی زمین برای طبقات میان درآمد به بالا تعیین شد؛ و بدین ترتیب در شهرسازی رسمی ایران کم درآمدها شهروندزدایی شدند که این الگو تاکنون کمابیش ادامه داشته است (اطهاری، ۱۳۸۱).

« نخستین علت رویش اسکان غیر رسمی در سطح کلان را باید ساختاری دانست که سازو کار تبعیض آمیز و فقرزا بر پایه توزیع غیر عادلانه و غیر رسمی منابع قدرت، ثروت و درآمد در جریان است ... در سطح خرد ... ضعف برنامه های بخشی مشخص و مؤثر برای پاسخگویی به نیاز سرپناه کم درآمدها و توزیع جغرافیایی مناسب، عدم پیش بینی فضای کافی مسکونی و مناسب اقدار کم درآمد در طرحهای کالبدی شهری، دسترسی ناپذیر به نظامهای رسمی اعتباری ...؛ وجود باندهای قدرت نامشروع و سوداگران زمین ... و فقدان نهادسازی برای تجهیز و تجمع منابع اقدار کم درآمد است ... اسکان غیر رسمی نشان شکست در سیاستهای رسمی و عدم پاسخگویی به نیاز سر پناه کم درآمدهاست» (صرافی، ۱۳۸۱).

درباره طرحهای توسعه شهری « مدیریت شهری برای مقابله با این امر فقط دو ابزار خاک و زنگار گرفته - طرح جامع و تفصیلی را در اختیار دارد، ابزاری که همه عوامل در آن مطالعه و بررسی شده است؛ جز توجه به زندگی شهروندان و جامعه شهری (صرافی، همانجا). مجموعه تحلیلهای صاحب نظران کشور و همچنین تجربیات جهانی (داور پناه، جواهری پور، در دست انتشار)، نشان می دهد که معطوف کردن مسائل به درون این سکونتگاه ها و مسئله یابیهای مکرر با روش شناسی سنتی و پاسخگویی به مسائل از نظر و دیدگاه صرف پژوهشگران و برنامه ریزان پاسخگو و حلال مسئله نیست و ضعف نظام برنامه ریزی اقتصادی و اجتماعی و روشهای سنتی تهیه طرحهای توسعه شهری نیز آن را تشدید

کرده است. حاصل این نگرشها در ارتباط با مسائل اجتماعی ارائه تحلیلهای وارونه از مسئله است. نقش و تأثیر طرحهای شهری در ایجاد مسئله و بروز آن بسیار با اهمیت است. هنگامی که رسمی بودن در شهر یک امتیاز است و اغلب با کشیدن (خطی مهندسی) گراداگرد وضع موجود و مطلوب از نظر صاحبان قدرت و ثروت در شهر به دست می‌آید (صرافی، همانجا)، و حاصل این خط تصویب قانونی است که هر کس از آن خارج باشد قانون شکن تلقی می‌شود، می‌توان آنها را از خدمات شهری مشابه متوسط شهر محروم کرد. این به معنای ایجاد ۱۵ تا ۳۰ درصد شهروند متخلف است که با محروم شدن از حقوق شهروندی خود هر نوع بر چسب اجتماعی را یدک می‌کشد. این نگرش که باعث می‌شود محدوده‌های فقیر نشین از نظارت دستگاههای متولی ایجاد امنیت خارج مانده و برای فرصت طلبان مافیای مواد مخدر و قاچاقچیان انسان و رانت خواران زمین حاشیه امن ایجاد شود. با این نگرش تله محرومیت می‌تواند از روش شناسی و نظریه‌های فرسوده در برنامه ریزی و تحقیق آغاز شود.

۲) اسکان غیر رسمی و آسیبهای اجتماعی

چهره‌نمایی از مسائل و آسیبهای اجتماعی نشان می‌دهد که در زمینه مواد مخدر ایران با ۲/۸ درصد جمعیت سوء مصرف کننده مواد افیونی در مقام نخست آسیا قرار دارد (جزایری، ۱۳۸۱). معنادان تهرانی در ده دقیقه به مواد مخدر دسترسی پیدا می‌کنند (روزنامه حیات نو، ۱۳۸۱)، سن آغاز روسپی‌گری در دختران ۹ تا ۱۲ سال ۲ درصد، ۱۳ تا ۱۶ سال ۶۰ درصد، و ۱۶ تا ۲۰ سال ۹۵ درصد است (روزنامه حیات نو، ۱۳۸۱). ظرف ده سال آینده وضعیت ایدز در ایران نگران کننده است ۶۵ درصد آلوده شدگان به بیماری ایدز معنادان تزریقی هستند (همان)، آمار زندانیان روز افزون است و با دو برابر شدن جمعیت کشور نسبت به قبل از انقلاب به سی برابر رسیده است (روزنامه همبستگی، ۱۳۸۱)، قاچاق روزانه ۵۰۰ هزار لیتر بنزین به طرف ترکیه، ساحل جنوبی خلیج فارس و پاکستان دومین منبع درآمدهای غیررسمی پس از مواد مخدر است (روزنامه نوروز، ۱۳۸۰).

آمار و اطلاعاتی که بتواند این تصویر را کامل تر کند بسیار است، مسائلی که در ارتباط با جوانان مطرح می شود از طرز تلقی مفهوم هویت و طرح کردن آن به عنوان بحران در چارچوب مفهومی انتقطاع نسلا تا تغییر هویت و سبک زندگی آنها، و مسائل مربوط به زنان و

هدف از ارائه این تصویر طرح این پرسش است که فقرا در ایجاد و تولید این مسائل چه نقشی دارند که می خواهند به عنوان مبدأ طرح مسئله مطرح شوند؟ آیا فقر در بروز نابسامانی اجتماعی (اعتیاد و فحشا) بیشتر مؤثر است یا تبعیض و بلاتکلیفی در ایجاد چشم انداز آینده؟ اگر هدف به رسمیت شناختن فقرا در برخورداری از حقوق شهروندی است عنوان این شماره فصل نامه از فقرا آغاز نمی شد، بلکه عناوینی مانند تبعیض و آسیبهای اجتماعی، یا حقوق شهروندی و آسیبهای اجتماعی، انتخاب می شد. آن وقت می شد به این پرسش پاسخ داد و ارائه طریق نمود که «آیا ممانعت از اسکان خود جوش به حاشیه رانده شدگان و پناه جویان و ورود به امتیازات شهر، امری اخلاقی است» (صرافی، ۱۳۸۱)، و در چهارچوب اهداف توسعه مبتنی بر عدالت اجتماعی می گنجد و برای پیشنهاد، راهکارهای اجرایی تکاپوی درونی فقرا برای بقای خود شناسایی شده و ظرفیتهای ارتقای سطح زندگی آنها تقویت می شد.

گام نخست در اقدام اجرایی از بالا برای برچسب زدایی از چهره سکونت گاههای فقیرنشین به رسمیت شناختن آنها در نظام رسمی برنامه ریزی است و در برنامه ریزی از پایین راهکار در توانمند سازی اهل محل بر اساس اولویتهای آنها و ظرفیت سازی و نهاد سازی در این سکونت گاههاست، که انجام آن مستلزم شناخت روش شناسی توانمند سازی است. (مطالعات و اقدامات مهندسی مشاور، معمار عرش در طرح توانمندسازی محلات نابسامان زاهدان). اتخاذ این اقدامات را چشم انداز رشد اسکان غیر رسمی نیز ضروری می سازد. «برآورد می شود تا سال ۱۴۰۰ شهرشینان ایران دو برابر شود یا به حدود هفتاد و دو میلیون نفر خواهند رسید. در این میان حدود سی درصد از شهرنشینان جدید با بیش از ۱۰ میلیون نفر کم درآمد خواهند بود که بین پنج تا هفت میلیون نفر آنها در صورت ادامه شرایط کنونی برنامه ریزیها

به سوی اسکان غیر رسمی در شهرهای بزرگ و کلان شهرها رانده خواهند شد (اظهاری ، ۱۳۸۱) . تصویر آینده ، هشداری جدی برای تغییر نگرش به این سکونت گاهها و اتخاذ رویکرد جدید در فقر زدایی است . انجام مطالعه ، بررسی و ارائه تحلیل در مورد این سکونت گاهها ، اگر که بخواهد ارتباط آنها را در ایجاد و بروز مسائل اجتماعی ثابت کند (مانند مطالعات انجام شده در سازمان صدا و سیما) و از الگوهای شناخت رابطه فقر و فساد به عنوان یک معادله دو مجهولی تبعیت کند، نتیجه ای جز عدم امنیت برای شهروندان این سکونت گاهها و تشدید به حاشیه راندگی نخواهد داشت . با این رویکرد می توان تعریف مجدد از امنیت برای شهروندان کم درآمد را ارائه داد و با برخوردار کردن ساکنان از بروز آن مسائل پیش گیری کرد.

در ادامه مقاله تصویری کلی از وضعیت سلطان آباد به عنوان یکی از نتایج نگرشهای پیش گفته معرفی می شود. همچنین با توجه به نقش امنیت در برجسب زدایی از این گونه سکونت گاهها نتایجی از مستندات دو پژوهش (افتخاری راد ، اسکندری دور باطلی ، ۱۳۸۰) در سلطان آباد که تعریف و طرز تلقی زنان را از امنیت و مسائل اجتماعی (آسیبهای اجتماعی) نشان می دهد ارائه می گردد.

۳) آشنایی با سلطان آباد

سلطان آباد در سال ۱۳۴۵ روستای کوچکی از بخش رباط کریم بود و حدود ۵۴۶ نفر جمعیت داشت ، و در سال ۱۳۷۷ به عنوان قسمتی از شهر گلستان شهر با جمعیتی حدود ۷۰ هزار نفر به رسمیت شناخته شد. در سی سال زندگی غیر رسمی، این سکونت گاه ، حدود ۲۹/۸ درصد کم درآمدهای شهر تهران و ۷/۸ درصد از کم درآمدهای شهریار و اسلام شهر را اسکان داده است . این نسبت روند افزایشی دارد. بازار غیر رسمی مسکن تا پیش از به رسمیت شناخته شدن آن حدود ۲۷ هکتار کاربری مسکونی تولید کرده است . کیفیت مسکن بسیار نازل است و ساکنان در آنها احساس امنیت نمی کنند . به قول یکی از آنها « ما خانه ها را حداکثر در پنج روز می ساختم ، چهار دیواری ، سقف و همین . دیگر به فکر اینکه وضعیت فاضلاب چه خواهد بود ، نبودیم . الان هم که دیوارها نم دارد و بوی آن بسیار بد است . هر

روز فکر می‌کنیم در فاضلاب فرو می‌رویم». گفته یکی دیگر از زنان: «در اینجا ساخت خانه خیلی طول می‌کشید، یک هفته بود همه باید کار می‌کردیم، نه فقط مردها بلکه زن‌ها و بچه‌ها هم می‌بایست کار می‌کردند، شبانه روز.....» و به قول یکی دیگر از زنان: «مهم این بود که ما اول بتوانیم یک چهار دیواری که سقف داشته باشد درست کنیم، بقیه قسمت‌ها را بعداً می‌ساختیم و اضافه می‌کردیم، خوب تحمل زندگی شبانه روزی در این خانه خیلی مهم است که ما زن‌ها آن را تحمل کردیم. الان افسرده‌ام فکر می‌کنم اعصابم به خاطر چهار سال بنایی خرد خرد است و بیماری اعصاب دارم... یکی از فرزندانم سال‌های اول که به سلطان آباد آمدیم به دلیل اسهال و استفراغ فوت کرد».

بر اساس اطلاعات موجود برآورد می‌شود که در هر روز به طور متوسط $4/8$ درصد واحد مسکونی ساخته می‌شود، اما از سرمایه صرف شده به دلیل احساس ناامنی و ترس از تخریب استفاده مناسب نشده است؛ به ویژه با توجه به اینکه این سکونت‌گاه‌ها با سرمایه اندک خانوار ساخته شده است. حتی بساز و بفروشی نیز که پس از به رسمیت شناخته شدن سلطان آباد فعال شده به دلیل عدم نظارت، کار را با کیفیت بسیار پایین ارائه می‌دهد. گفته یکی از ساکنان: «بشکه ۲۰۰ لیتری را به جای فاضلاب گذاشته بودند، پس از مدتی دیوار خانه نشست کرد و فرو ریخت». ۵۷ درصد از واحدهای مسکونی کمتر از ۵۰ متر مربع مساحت دارد. ۳/۲۶ درصد ساکنان اتاق نشین هستند، این در حالی است که متوسط بعد خانوار در این محله $4/9$ نفر است.

وضعیت محله از نظر برخورداری از امکانات زیر ساختی در زمینه برق مناسب است، اما به گفته عده‌ای از ساکنان: «وضعیت آب بسیار نامناسب است، فشار آب کم و به دلیل استفاده از تانکر و پمپ برای آب رسانی، بهداشتی نیست، ما به بیماریه‌های کلیه و حتی پوستی دچار شده‌ایم، بعضی اوقات در تابستان ما فقط دو ساعت آب داریم».

بافت بسیار فشرده و کار نابری فرهنگی و تفریحی در آن وجود دارد، تنها یک پارک کوچک در این محله ایجاد شده که پاسخ‌گوی نیاز جمعیت $41/3$ درصدی کمتر از ۱۵ سال نیست. بطور جدی قابل پرسش است که زندگی در این شرایط چه مسائلی را به ساکنان به

خصوص کودکان ، نوجوانان و زنان تحمیل می کند . رشد اجتماعات فقیر نشین مانند سلطان آباد در ترس و ناامنی صورت می گیرد ، در این صورت آیا نمی توان شرایط بهتری را برای این شهروندان که با هدف بقای خود بدون حمایت دستگاهها و قوانین رسمی تلاش می کنند تصور کرد ؟

از نظر وضعیت اقتصادی میانگین هزینه خانوار در سلطان آباد در سال ۱۳۸۰ برابر با ۷۴۴ هزار ریال در ماه است که در مقایسه با میانگین هزینه خانوار شهری در این سال حدود ۴۲ درصد کمتر است . سرانه هزینه خوراک خانوار در سلطان آباد ۸۱۴۰۰ ریال است که در مقایسه با جمعیت شهری ۳۷ درصد کمتر است . مسئله اشتغال غیر رسمی به صورت فعالیتهای کارگری ساده ، دستفروشی ، که حدود بیست درصد اشتغال را در بر می گیرد ؛ ناامنی شغلی به دلیل نحوه تلقی از این نوع فعالیت ، تشدیدکننده شرایط سخت زندگی برای سلطان آبادیهاست . به نقل از یکی از زنان : « ما تفریحی نداریم ، تفریح پول می خواهد ، دو سال است از فوت پدرم گذشته اما هنوز نتوانسته ام به خانواده ام سر بزنم ، چون همسرم روز مزد است و نمی تواند از محل کارش مرخصی بگیرد و خرج سفر هم زیاد است » .

۴) دیدگاه زنان به مسائل اجتماعی و امنیت

در پژوهشهای انجام شده با استفاده از روش کیفی مصاحبه های عمیق با زنان انجام شد که بخشی از این مستندات می تواند تصور زنان را از مقوله امنیت و مسائل اجتماعی نشان دهد .

« همسرم اجازه نمی دهد ما از خانه بیرون برویم ، او می گوید شما نمی دانید بیرون چه خبر است ، این محله برای شما نا امن است » .

« پسرم می گوید شما نمی دانید چه خبر است ، این محله با بقیه جاها فرق دارد نباید بیرون بروید » .

« از ساعت چهار بعد از ظهر به بعد کوچه برای ما نا امن است ، چون بیکاری در سلطان آباد زیاد است ، همیشه عده زیادی جوان در سر چهار راهها می ایستند که برای گذشتن از کنار آنها مشکل داریم . »

« تقریباً هفته ای دوبار من از این پنجره دعوایی را می بینم که در آن چاقوکشی می شود ... می ترسم بچه ام را برای خرید بیرون بفرستم . »

« حتی یک بار هم ندیده ام وقتی در سر چهار راه دعوا می شود پلیس بیاید و آنها را از هم جدا کند ، آنقدر هم دیگر را می زنند تا خونین و مالین از حال بروند ، این دادو فریاد ها و فحش کاریها نمی گذارد ما راحت باشیم . »

در بین پاسخ گویان ۲/۰۲ درصد اعلام کرده اند که در محیط مورد خشونت واقع شده اند ، پنجاه و دو درصد زمان آن را شب ، ۸/۷ درصد همیشه ، ۳۹/۱ درصد گاهی اوقات می دانند . همچنین ۱۴/۹ درصد وجود روسپیان را در همسایگی و کوچه تأیید کرده اند ، ۱۴/۹ درصد وجود روسپی گری را در محله عامل سلب امنیت اعلام کرده اند ، ۲۷/۲ درصد آنها را سلب کننده امنیت نمی دانند .

برخی اظهار می کردند که در کوچه شان خانه هایی را می شناسند که محل فساد است ، حتی بعضیها در خانه خود از این طریق کسب درآمد می کنند و کلاً در محله بخش هستند. در مورد راهکار مقابله با این مسئله پنجاه و هفت درصد جمع آوری روسپیان در مکان خاصی را پیشنهاد دادند.

وجود معتادان در محله را ۳۴/۲ درصد از زنان عامل سلب امنیت می دانند ، ۲۶/۲ درصد آنها را آدمهای بدبخت که به دلیل نداری به این روز افتاده اند معرفی می کنند، ازبین پاسخگویان ۴۶/۹ درصد به این پرسش که آیا کسی را می شناسید که معتاد باشد پاسخ مثبت داده اند.

« من کسی را که به پسر مواد می فروشد می شناسم ، یک بار هم به نیروی انتظامی رباط کریم وی را معرفی کردم ، اما بی فایده بود . »

« من به چه کسی می توانم شکایت کنم که همسرم حقوق ۷۵ هزار تومان خود را اول صرف خرید مواد خودش می کند ، و هرچه باقی می ماند برای خرجی خانواده صرف می کند . با ماهی ۳۰ هزار تومان من چه کار می توانم بکنم ، پسر من به همین دلیل ترک تحصیل کرد ، در یک کارگاه جوشکاری کار می کند تا کمک خرج من برای خواهر و برادرهای کوچک ترش باشد . »

« من در هفته یکی دو بار از شوهرم کتک می خورم ، اگر در روستا دعوا می کردیم همه وساطت می کردند و نمی گذاشتند مسئله زیاد جدی شود ، اما اینجا تنهاییم و کسی نیست از ما دفاع کند . »

« پدرم می داند که خواستگار من معتاد است ، اما من را مجبور کرده با او ازدواج کنم . من به دکتر گفتم بگویند که من بیماری ناعلاج دارم تا از دست این زندگی خلاص شوم ، اما نشد ، نمی دانم به کجا باید شکایت کنم . »

بر اساس اطلاعات جمع آوری شده ۲۶/۳ درصد ازدواج کاملاً اجباری ، ۳۴/۹ درصد با فشار و اصرار زیاد خانواده تن به ازدواج داده اند.

زنان برای حل مسائل اقتصادی خانواده در تلاش و تکاپو هستند و راهکارهایی را هم پیشنهاد می دادند:

« من کمک همسرم رفوگری می کنم از صبح تا شب در خانه . »

« ما باید کار کنیم و کمک خرج خانواده باشیم ، با اینکه گلدوزی و بافتنی بلدیم اما کسی مشتری من نیست ، مردم اینجا برای این کارها پول نمی دهند . »

« ما برای کمک خرجی زندگیمان با چند همسایه صندوق محل را راه انداختیم ، باید کاری کرد ، بچه هایم چه می شوند . »

زنان به دلیل بی پولی و تنگدستی صندوق محله را تشکیل داده اند . (اسکندری دورباطی ، ۱۳۸۰)

۵) جمع بندی و پیشنهاد

- وجود سکونت گاههای فقیر شهری به صورت رسمی و غیر رسمی نه فقط به دلیل مسائل ساختاری در نظام اقتصاد سیاسی کشور، بلکه به دلیل ضعف در نگرش و روش شناسی برنامه ریزیهای توسعه (طرحهای شهری و برنامه های توسعه پنج ساله) نیز هست. تغییر در این روش شناسی می تواند به کاهش فقر شهری کمک کند.
- رشد اسکان غیر رسمی و فقر شهری با توجه به شرایط موجود اقتصادی و رشد شهرنشینی یک واقعیت است. معطوف کردن حل این مسئله به حل مسائل روستا و برنامه ریزیهای کلان نمی تواند به تنهایی کار ساز باشد. شناخت مسائل این سکونت گاهها با مشارکت ساکنان و انتخاب راهکارهای کوتاه مدت و عملی ضروری است.
- پرهیز از پیش داوری و تعمیم نظریات کلان و فراگیر از نظر نخبگان به این سکونت گاهها در چهارچوب روش شناسیهای سنتی با توجه به نتیجه این نگرش - که نمونه موردی آن ارائه شد - ضروری است.
- به رسمیت شناختن حقوق شهروندی کم درآمد ها و ساکنان سکونت گاههای غیررسمی در برنامه ریزی و اعتبار مالی (برداخت وام مسکن، سایر تسهیلات)
- تعریف ایجاد امنیت برای فقرای شهری و تلاش برای بر هم زدن حاشیه امنیتی فرصت طلبان و مفسدان باندهای جنایتکار در این سکونت گاهها با مسئولیت و دخالت نهادهای مسئول برای مقابله با مسائل اجتماعی
- پایدار سازی امنیت در سکونت گاههای فقیر شهری با مشارکت ساکنان
- استوار کردن پیشنهادها و راهکارها به ظرفیتهای و توانهای درونی این سکونت گاهها و ظرفیت سازی با مشارکت اهالی محل
- تشکیل نهادهای آگاهی بخش برای انتقال دانش فنی متخصصان به اهالی محل و پرهیز از نخیه سالاری و ایجاد فرآیند آگاهی بخشی متقابل (در این زمینه وزارت بهداشت و درمان تجربیات ارزنده ای دارد) .

- ۱- اسکندری دورباطی زهرا ، ۱۳۸۰ ، صندوقهای تامین مالی خرد نهادی برای توانمند سازی کم درآمدها ، نخستین سمپوزیوم حاشیه نشینی - سازمان بهزیستی.
- ۲- اطهاری ، سید کمال ، ۱۳۸۱ ، سازمان عمران و بهسازی شهری فصلنامه هفت شهر ویژه نامه اسکان غیر رسمی .
- ۳- افتخاری راد ، زهرا ، اسکندری دورباطی زهرا ، ۱۳۸۰ ، نگرش به اسکان کم درآمد در ایران و روند تغییر آن در مقایسه با دیدگاههای جهانی ، همایش اسکان ؛ اشتغال و توسعه پایدار ، وزارت مسکن و شهرسازی.
- ۴- افتخاری راد ، زهرا ، اسکندری دورباطی ، زهرا ، ۱۳۸۰ ، شناخت و بررسی محورهای بحرانی بکن در سلطان آباد ، مرکز مشارکت زنان .
- ۵- افتخاری راد ، زهرا ، ۱۳۸۰ ، چهره نمایی اسکان غیر رسمی در ایران ، سمپوزیوم حاشیه نشینی ، سازمان بهزیستی.
- ۶- جزایری ، علیرضا ، ۱۳۸۱ پاییز ، نگاهی به وضعیت بازار مواد مخدر در ایران و سایر کشورها ، فصلنامه رفاه اجتماعی شماره ۵.
- ۷- خضری ، فرزین ، ۱۳۸۱ ، مهندسين مشاور معمار عرش تهیه کننده طرح توانمندسازی و سامان دهی اسکان غیر رسمی در زاهدان.
- ۸- داوربناه ، بابک و جواهری پور ، مهرداد ، ۱۳۸۱ ، سازمان عمران و بهسازی ، تجربیات جهانی سامان دهی و توانمند سازی اسکان غیر رسمی ، در دست انتشار .
- ۹- روزنامه حیات نو ، ۲۹ مهر ۱۳۸۱ .
- ۱۰- روزنامه حیات نو ، ۱۸ آذر ۱۳۸۱ ، به نقل از معاون سلامت وزارت بهداشت .
- ۱۱- روزنامه همبستگی ، ۸ بهمن ۱۳۸۱ به نقل از روزنامه خراسان .
- ۱۲- روزنامه نوروز ، ۲۷ شهریور ۱۳۸۰ .
- ۱۳- صرافى ، مظفر ، ۱۳۸۱ ، سازمان عمران و بهسازی شهری ، فصلنامه هفت شهر ، ویژه نامه اسکان غیر رسمی.
- ۱۴- مطالعات و اقدامات مهندسين مشاور معمار عرش در طرح توانمند سازی محلات نابسامان زاهدان .
- ۱۵- مستندات برنامه سوم توسعه در مورد بافتهای شهری ناکارآمد ، سازمان عمران و بهسازی شهری .